

فصلنامه پژوهش‌نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی

Journal of Humanities and Islamic
Strategic Studies

سال چهارم. شماره ۵۱. زمستان ۱۴۰۱. صص ۶۶۲-۶۴۹
Vol 4. No 51. 2023. P 649-662

شماره شاپا (۲۵۳۸-۴۳۱۷) ISSN (2538-4317)

زمینه‌های شکل‌گیری نافرمانی مدنی زنان در موضوع حجاب در ایران اسلامی (۱۴۰۰ به بعد)

محمد رضا گراوند

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، ایران

چکیده

حجاب در ایران به همان میزان که دارای خاستگاه دینی، مذهبی و همچنین خاستگاه اجتماعی و فرهنگی می‌باشد، به لحاظ گستره موضوعی نیز مشمول فرایندهای اجتماعی جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری بوده است به گونه‌ای که مطالعه تاریخ ملل و اقوام نیز نشان‌دهنده وجه فرهنگی و اجتماعی حجاب و تلاش تاریخی برای نهادینه کردن اصل جامعه‌پذیری آن در انتقال ارزش‌های از نسل‌های قبل به بعد بوده است. در واقع با فرض اینکه حجاب یک ارزش فرهنگی محسوب می‌شود در این پژوهش تلاش می‌گردد با توجه به این مهم که رعایت یا عدم رعایت حجاب، تحت تاثیر نگرش فرهنگی - اجتماعی افراد به مقوله حجاب می‌باشد؛ از این منظر نگرش افراد نسبت به پوشش مسئله را فردی و با اهمیت تلقی می‌نماید. لذا در موضوع مقاله از رویکرد تلفیقی، از مجموعه نظریه‌های جامعه‌پذیری اجتماعی موضوع بسیار مهم ارزش "حجاب برای زنان" استفاده خواهد شد. هدف اصلی این مقاله که به روش تحلیلی و توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌پذیرد، به بررسی نگرش جامعه بویژه زنان ایران اسلامی نسبت به پوشش اسلامی (حجاب) و عوامل اجتماعی موثر بر نافرمانی مدنی بخشی از جامعه نسبت به چگونگی اعمال آن پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: حجاب، حجاب اسلامی، نافرمانی مدنی، اجتماعی شدن



مقدمه

هر نظام سیاسی با توجه به حساسیت و انتظارات اجتماعی میزانی از انحراف از هنجارها را تحمل و یا بر اساس ملاحظاتی، واکنش قهری به انحرافات فرهنگی را به تاخیر و یا نادیده انگاری می‌کند زیرا از منظر جامعه‌شناختی هیچ حکومتی نمی‌تواند صددرصد افراد جامعه را معتقد و ملتزم به رعایت ارزش‌های ایدئولوژیک حاکم بر جامعه نماید. (آبروشن، ۱۴۰۱: ۱)

در جوامع گذشته و از جمله جامعه اسلامی صدر اسلام، انتخاب رنگ و نوع پوشش تابع تمایلات شخصی و تأثیرات متقابل زنان طایفه و منطقه بر یکدیگر بود و به دلیل قَلت و محدودیت ارتباطات، انتقال انواع پوشش و گزاره‌های فرهنگی شایع نبود و حتی تعصبات فرهنگی یا آموزه‌های دینی مانع تقلید از بیگانگان می‌شد و همین عوامل، حجاب را به موضوعی فردی و شخصی تبدیل کرده بود (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۷: ج ۲: ۴۵۸)

برخلاف وضعیت پیش‌گفته، امروزه حجاب به عنوان امری اجتماعی مطرح است که حداقل ماهیت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دارد. در این میان ماهیت سیاسی حجاب از دو بُعد قابل طرح است؛ - بُعد اول در تبدیل حجاب به نماد زنان مسلمان ظلم ستیز در کشورهای غربی که تأثیر آنان تا آنجا پیش رفت که برخی کشورها همچون فرانسه را مجبور به واکنش در قالب تقنین علیه حجاب کرد؛ - بُعد دوم استفاده برخی افراد بدحجاب در داخل کشور از این پدیده به عنوان نماد اعتراضات سیاسی به نهاد حاکمیت. اما در کنار این دو بُعد، نکته مهمتر چگونگی استفاده از حجاب در راستای منافع سیاسی یک نظام علیه نظام دیگر است. یکی از مفاهیم جدید ادبیات علم سیاست، مفهوم براندازی نرم است. براندازی نرم که در مقابل براندازی سخت یا به زور و خشونت قرار دارد (آقابابایی، ۱۳۸۶: ۲۱) ممکن است به دو صورت محقق شود:

اول: نافرمانی مدنی به معنای مقاومت صلح آمیز در برابر قانون یا سرپیچی از انجام وظیفه در وضعیتی که فرد حس کند پیروی از قانون و انجام وظیفه ممکن است پیامدی داشته باشد، از اینرو به منظور مخالفت با حکومت نسبت به نقض بعضی قوانین و زیر پا گذاشتن هنجارهای مورد احترام حکومت اقدام کند (واربرتون، ۱۳۸۰: ۱۱۳).

دوم: استحاله به معنای عدم قبول ارزشها، اهداف و ارکان نظام و اعتقاد به تغییر نظام حکومتی و ارکان آن با استفاده از ابزارهای حقوقی و قانونی (قمری وفا، ۱۳۸۱: ۲۵). با دقت در انواع براندازی نرم معلوم می‌شود یکی از راه‌های براندازی نظام اسلامی که در گذشته مطرح نبوده، استفاده از پدیده بدحجابی است که نمونه استفاده از این پدیده در تضعیف و مقدمه سازی به منظور براندازی را می‌توان در طراحی اروپاییان برای فتح اندلس پس از ناامیدی از برتری نظامی مستقیم بر آن مشاهده کرد (غلامی، ۱۳۹۲: ۵۶)

در این میان در مقوله حجاب در جامعه ایران اسلامی که نقش مولفه‌های دینی در آن همیشه در طول اعصار تاریخی نقش و جایگاه مهمی داشته‌اند، از جمله موضوعات مهمی است محل منازعه طرفداران و مخالفین



اختیاری و یا اجباری بودن آن بوده است به طوری که در طول تقریباً یک قرن اخیر بویژه در دوره پهلوی بی‌حجابی از سوی ساختار سیاسی حاکم در کشور ترویج و پشتیبانی می‌شده است و در سال‌های پس از انقلاب اسلامی واجب بودن حجاب و به تبع آن اجباری بودن حجاب تأکید شده است چراکه این احساس در ارکان تصمیم‌گیر این موضوع به وجود آمده بود که مسله امروز ایران صرفاً نه حجاب بلکه مسئله روز ایران، در حوزه خرده فرهنگ‌های جاری، در حقیقت گذر از بدحجابی به بی‌حجابی می‌باشد. ادامه این رویکرد در طی دهه‌های اخیر از زمان انقلاب اسلامی، در هر دوره موجب شده به اشکال مختلف بر حجاب تأکید شود. دهه ۱۳۶۰، دهه حجاب و الزامات قانونی آن بود. دهه ۱۳۷۰ دوران سازندگی و اصلاحات و مرحله حیاتی بروز بیشتر بدحجابی و کم‌حجابی در اشکال متنوع و نهادینه شدن آن است. و در دهه ۱۳۸۰ نیز تا اکنون موضوع به تدریج به سمت بی‌حجابی و نافرمانی مدنی در این حوزه در حال توسعه می‌باشد. (جاویدو شاهمرادی، ۱۳۹۶: ۱۴۰)

از این منظر در نگاه اول می‌توان این نتیجه می‌گرفت که حجاب در ایران به موضوعی مهمتر از یک مسئله صرف دینی و فقهی تبدیل شده است. به تدریج موضوع پوشش شرعی یا همان مسئله حجاب به یک تحدی اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. دولت‌های مختلف هر یک به نوعی تلاش داشتند در قاب سلاقی مختلف پوشش عرفی همسو با ارزش‌های فرهنگی و دینی ایرانی را تعریف کنند و در این راستا کتب علمی متعدد و ارزشمندی با رویکردهای مختلف طی دهه‌های اخیر به چاپ رسید اما این غنای علمی توانسته است آن طور که باید و شاید کمکی به پیشرفت کمی و کیفی حجاب کند شاید مهمترین خدمت این ادبیات ضمن تنوع بخشی به عرضه حجاب برای اندک زمانی و در محدود مکانی‌های متوقف یا از سرعت آن کاسته شود. اما به رغم ذغدغه‌های فراوان مردم و مسئولان، بعضاً حجاب به مثابه نماد شریعت و اسلامیت نظام اسلامی در ایران، در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی و اقدام و مطلوب در اجرا دچار چالش گردید.

به گونه‌ای که در طول دو سال اخیر این موضوع در کنار برخی موضوعات اجتماعی-سیاسی کشور به یکی از مباحث مهم و قابل اعتنا در بین بخش‌های حاکمیتی و بطن جامعه در بین قشرهای مختلف تبدیل شده است به گونه‌ای که در برخی حوزه‌ها با توجه به بروز برخی وقایع سلبی و جبری دامنه این موضوع باکشیده شدن به برخی اعتراضات سیاسی کما اینکه در شهریور ۱۴۰۱ اتفاق افتاد به یک معضل امنیتی در کشور نیز تبدیل گردید. از این منظر در پژوهش حاضر با توجه به باورها و اعتقادات دینی - اسلامی رایج در بطن جامعه با توجه به عدم اجماع و وحدت نظر در این زمینه تلاش می‌گردد در قالب نظریه‌های اجتماع‌پذیری به تحلیل وقایع اخیر ایران با محوریت حجاب و اعتراضات پیرامونی آن پرداخته شود.

در این راستا، آنچه که در این زمینه قابل تأمل می‌باشد این است که چنانچه حجاب یک نوع رفتار قلمداد گردد، این رفتار همانند سایر رفتارهای دیگر تحت تأثیر قواعد خاصی است. بر اساس تئوری‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، انجام یک رفتار، تحت تأثیر عوامل متفاوتی است. یکی از عوامل مهم و



اثرگذار بر انجام و نحوه رفتار، اطلاعات و آگاهی‌های فرد از رفتار می‌باشد. به عبارت دیگر، سطح شناختی فرد، اقدام و نوع رفتار وی را مشخص می‌سازد. اطلاعات و آگاهی‌های فرد، نسبت به اشیاء، پدیده‌ها و مفاهیم، طی فرآیند جامعه‌پذیری وی ایجاد می‌شود. در این نوشتار، از این منظر به بررسی و تحلیل ابعاد و زمینه‌های شکلگیری نافرمانی مدنی زنان در موضوع حجاب در ایران اسلامی در سال‌های (۱۴۰۰ و ۱۴۰۱) پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

اجتماعی شدن

اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری، از نظر لغوی به معنای انطباق و آشناسازی با جامعه است (حقوق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۴۲). در جامعه‌شناسی، این مفهوم به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن، افراد ویژگی‌هایی کسب می‌کنند که شایسته عضویت آن‌ها در جامعه است. (Scruton, ۲۰۰۷: ۶۴۹)

به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری نوعی فرآیند کنش متقابل اجتماعی است که در آن، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا می‌گیرد، آن را درونی و باشخصیت خود، یگانه می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۴۴). جامعه‌پذیری و اجزای آن مانند جامعه‌پذیری دینی، یک «استراتژی» تلقی می‌شود، زیرا به عقیده اندیشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان، یک جامعه یا گروه معین از مکانیسم جامعه‌پذیری به عنوان نوعی استراتژی برای حفظ انسجام اجتماعی و وحدت گروهی بهره می‌گیرد. (1990-Michener & et. Al)

با توجه به این تعاریف مشخص می‌شود که در حوزه جامعه‌پذیری دینی حداقل با دو دسته از مفاهیم مواجه هستیم. دسته اول مفاهیم مرتبط با مقوله توحید است و دسته دوم کنش‌ها و رفتارهایی است که انسان برای حصول به مرتبه اول که همان اعتقاد به توحید است، انجام می‌دهد. بنابراین می‌توان چنین بیان داشت که در حوزه جامعه‌پذیری دین، نیاز است هر دو دسته از مفاهیم آموزش داده شود. دسته اول که می‌توان از آن با عنوان اعتقادات مذهبی نام برد که مجموعه‌ای از ارزش‌های فردی را در برمی‌گیرد که به صورت برداشت‌های مذهبی، علمی و اجتماعی نمایان می‌شود. هدف اعتقادات مذهبی ایجاد تصویری در ذهن است که احساس فردی و جمعی هویت را در کنشگر تقویت می‌کند (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲۲۷). دسته دوم را می‌توان در غالب شعائر دسته‌بندی نمود. شعائری که معطوف به رفتارهای اخلاقی و هم معطوف به رفتارهای و کنش‌های دینی است. وقتی یک فرد مؤمن می‌تواند از سر اعتقاد دست به رفتار و کنش شعائری بزند که نسبت به حقیقت آن در ذهن و وجود شخصی و در جامعه و در قبال هویت اجتماعی نوعی تشابه و یکسانی احساس کند و در مرحله بالاتر شناخت از این امور در وجود او محقق گردد. بر اساس این بحث‌ها که تاکنون مطرح شد می‌توان چنین نتیجه گرفت جامعه‌پذیری دینی بر «نحوه انتقال مفاهیم اعتقادی



از یک سو، ارائه شاعر دینی در قالب کنش‌های اخلاقی و فقهی از سوی دیگر دلالت دارد که منتج به ایجاد نگرش مبتنی بر هدف‌دار بودن حیات انسان در نزد کنشگران اجتماعی شود» می‌باشد (همان: ۲۲۸)

حجاب

مفهوم حجاب در لغت به معنای منع از رسیدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۱۹) و به معنای پوشش است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ۲۹۸)

حجاب در معنای فقهی، در بحث کتاب‌الصلوة و کتاب النکاح رواج دارد واژه «ستر و ساتر» به معنای «پوشش و وسیله پوشش زن در مقابل نامحرمان» است. «مستورات» به معنای زنانی هستند که دارای پوشش و سترند (احسائی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۷۲)

به نظر می‌رسد بهترین واژه برای رساندن مفهوم حجاب همین واژه «ستر» باشد. به تعبیر شهید مطهری، در اصطلاح فقه و فقهای قدیمی بیشتر از واژه ستر استفاده شده است (مطهری، ۱۳۸۱-۴۳۰) و حجاب مدنظر، به معنای پوشش اسلامی بانوان است که دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن بوجوب پوشش بدن و بعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. این دو بعد باید در کنار یکدیگر باشند تا حجاب اسلامی محقق شود. بدون این دو بعد نمی‌توان گفت حجاب اسلامی محقق شده است. (حسامی و بصیرت، ۱۳۹۹: ۹۸)

جامعه‌پذیری دینی

جامعه‌پذیری دینی بر نحوه انتقال مفاهیم اعتقادی از یک سو، ارائه شاعر دینی در قالب کنش‌های اخلاقی و فقهی از سوی دیگر دلالت دارد که منتج به ایجاد نگرش مبتنی بر هدف‌دار بودن حیات انسان در نزد کنشگران اجتماعی شود (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۶). منظور از جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان در این تحقیق این است که دانش‌آموزان با اثرات و فواید اعمال دینی (نماز جمعه و جماعت، روزه، مراسم اعیاد مذهبی اعتکاف، مراسم شب‌های احیاء در ماه رمضان) آشنا شده و نسبت به انجام این اعمال علاقمند شوند.

جامعه‌پذیری سیاسی

اندیشمندان جامعه‌پذیری سیاسی را فرایند مستمر یادگیری رفتارها، اندیشه‌ها و نگرش‌های سیاسی می‌دانند. فرایندی که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نشانه‌های خویش در جامعه پی می‌برند (قوام، ۱۳۸۴: ۷۷).



اجتماعی شدن و حجاب

اجتماعی شدن فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری وی به وقوع می‌پیوندد. جامعه‌پذیری فرآیندی است که فرد طی آن با ارزش‌ها، عقاید، هنجارها، رسوم، آداب و شعائر جامعه خویش آشنا می‌شود و شیوه‌های زندگی اجتماعی را فرا می‌گیرد و به عنوان یک عضو جامعه آمادگی عمل را پیدا می‌کند. انسان‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری، با درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها یاد می‌گیرند که چگونه باید نیازهای زیستی - اجتماعی خود را به شیوه‌ای قابل قبول برآورده سازند. نظم و ثبات در جامعه، ماحصل درونی سازی و عمل به این ارزش‌ها و دستورات فرهنگی است. دوران نوجوانی و جوانی، مهم‌ترین و اثرگذارترین دوران شناخت و پذیرش این معیارها می‌باشد. در این دوران، چنانچه ارزش‌ها و معیارها و هنجارها به گونه‌ای مناسب و هم‌زمان به نوجوان و جوان ارائه و به درستی در وی درونی شود، تا پایان عمر، بدون کمترین تغییری، در فرد باقی می‌ماند. جامعه‌پذیری عمدتاً توسط ۵ نهاد اصلی؛ خانواده، مدرسه، دولت، اقتصاد و دین انجام می‌گیرد. هر یک از این نهادها کارکردها و وظیفه خاص خود را دارند و نیازی از نیازهای جامعه را برطرف می‌سازند.

پوشش و حجاب یک آموزه دستور دینی است که مبتنی بر آیات، روایات و احکام است. آشنایی فرد با معیارها، الگوها، آموزه‌ها و احکام دینی در فرآیند جامعه‌پذیری دینی وی انجام می‌شود. در این فرآیند، فرد با محتوا و معنای این معیارها آشنا شده و آنها را در موقعیت‌ها و تعاملات زندگی روزمره خود به کار می‌گیرد.

جامعه‌پذیری دینی و آشنایی فرد با مفهوم و معنای حجاب، اصولاً از خانواده شروع شده و پس از آن در مدرسه ادامه می‌یابد. در بررسی مینی^۱ تحت عنوان «آموزش مذهبی و بحران تحصیلات» ملاحظه شد که اعتقادات و باورهای مذهبی کودکان، بیش از آنکه شناختی^۲ باشد و در مدرسه ساخته و پرداخته گردد، ارزشی و احساسی است و از مدت‌ها قبل (در خانواده) ایجاد شده است؛ در حالی که آموزش‌های عینی مذهبی که در مدرسه به کودکان ارائه می‌گردد، مشکلات خاصی را برای آنها ایجاد می‌کند. این محقق معتقد است آموزش‌های مذهبی مدارس در تعارض با ارزش‌ها و اعتقادات ذهنی نوجوانان بوده و همین امر موجب بروز بحران و مشکل برای آنان می‌شود (cf. Minney, R, 1985).

جامعه‌پذیری حجاب توسط رسانه‌ها، به وسیله تدوین برنامه‌های خاص برای نوجوانان و جوانان و ساخت فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی ادامه می‌یابد. کارکرد و وظیفه عمده و مهم نهاد دین و سازمان‌های مذهبی، ارائه ارزش‌ها و هنجارهای دینی به منظور آشنایی مردم با این الگوها و قواعد می‌باشد. نوجوانان و جوانان بخشی از آشنایی با مفهوم حجاب را در برخورد با گروه دوستان و نهادهای اجتماعی فرامی‌گیرند. با توجه به

1. Socialization
2. Institutionalization
3. Minney
4. Cognitive



این که هر یک از این نهادها بخشی از جامعه‌پذیری دینی نوجوانان و جوانان را بر عهده دارند؛ بررسی میزان اثرگذاری آنها، در انتقال این ارزش‌ها و معیارها لازم و ضروری می‌باشد. از سوی دیگر لازم است مشخص گردد که افراد جامعه بیشتر تحت تأثیر کدام یک از این نهادها می‌باشند تا برنامه‌ریزان و سیاستگذاران فرهنگی کشور بتوانند زمینه‌های مناسب‌تری برای انتقال درست و بهینه فرهنگ اسلامی تهیه و تدوین کنند.

باور فرهنگی به حجاب

در جامعه‌پذیری باورها بنیان عناصر هر فرهنگ را تشکیل می‌دهند. «باورهای فرهنگی ایده‌هایی هستند که گروه‌ها از آنها الهام می‌گیرند و از طریق آنها هدایت می‌شوند. این همان چیزی است که با نام "انگاره ساختی" از آن یاد می‌شود. هر فرهنگی دارای یک بعد انگاره ساختی قابل شناخت است» (یونسکو، ۱۳۷۹: ۲۸۸)

باورهای فرهنگی جایگاه مهمی در نظام اجتماعی دارند. به بیان باهنر نظام‌های اجتماعی بر باورها استوارند (باهنر، ۱۳۶۱، ص ۶) حجاب یکی از باورهای فرهنگی در نظام اجتماعی قرآن، بر اساس ایمان و پاکیزگی افراد در جامعه است (احزاب، ۳۳؛ نور، ۳۱). مفهوم گیری از این آیات با این تحلیل است که با جامعه‌پذیری حجاب، نظام اجتماعی پاک و سالم و به دور از جلوه‌های جاهلیت شکل می‌گیرد و این در جامعه‌ای است که حجاب به عنوان باور فرهنگی با ظهور طهارت اجتماعی نهادینه شود. ارتباط جامعه‌پذیری حجاب با پاکیزگی جامعه، به این مفهوم است که افراد در جامعه با ایمان، همواره خدا را مدنظر دارند و به حجاب باور دارند که حجاب مصونیت‌آور است؛ به همین جهت با الگو قرار دادن اهلیت پیامبر (ص) جامعه‌پذیری حجاب عملیاتی می‌گردد. گرچه مخاطب آیه (احزاب، ۳۳) اهلیت پیامبر است، می‌توان چنین تحلیل کرد که آیه در توصیه به حجاب برای عموم زنان مسلمان نیز به کار رفته است؛ با این استدلال که اگر اهل بیت پیامبر برای حفظ حرمتشان به رعایت حجاب توصیه شده‌اند، دیگر زنان مسلمان به طریق اولی باید حجاب اسلامی را داشته باشند. این تحلیل مطابق با تفسیر این آیه است: «شما (اهلیت) به خاطر انتساب‌تان به پیامبر از یک سو و قرارگرفتن‌تان در کانون وحی و شنیدن آیات قرآن و تعلیمات اسلام از سوی دیگر دارای موقعیت خاصی هستید که می‌توانید سرمشقی برای همه زنان باشید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۸۹).

عوامل نافرمانی مدنی زنان در ایران در خصوص حجاب اجباری

حجاب اجباری در ایران از ۱۸ مرداد ۱۳۶۲ و توسط مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون مجازات اسلامی، برای عدم رعایت حجاب در معابر عمومی و تعیین مجازات عملی شد برخی با ضرورت بحث حجاب مخالفند، زیرا، آن را مسئله‌ای فردی می‌دانند نه جمعی. آنان می‌گویند در ابتدای انقلاب ۱۳۵۷ نیز



مسئله اجباری کردن حجاب محل اختلاف میان علما گردید از نظر بعضی از مخالفان، اجبار حجاب وجه شرعی ندارد و در قرآن هم اشاره روشنی به آن نشده است

با این وجود برخی رهبران دینی و سیاسی لزوم رعایت حجاب ادبی حجاب و کامل را امری واجب و بدیهی می دانند و رویکردهای سختگیرانه‌ای را برای کتتر و مواخذه و برخورد با افراد و بی حجاب و حتی کم حجاب مطالبه می کنند و این رویکرد را در قاب تشکی نهادهای پیشگیرانه و کنترل کننده‌ای نهادی همچون «گشت ارشاد» جستجو می کنند این در حالی است که نهادهای اجتماعی در جوامع انسانی عموماً با این هدف مشخص تشکیل می گردند که به نیازهای شهروندان پاسخ متقاعد کننده‌ای بدهند در واقع افکار، اندیشه و مطلوبیت‌های اجتماعی در قالب نهادها و ساختارهای اجتماعی به واقعیت تبدیل می گردند لذا ما کمتر جامعه ای را سراغ داریم که حاکمیت سیاسی به تشکیل نهادی همچون گشت ارشاد همت گمارد که در واکنشی وارونه مطلوبیت‌های شهروندان را سرکوب کند این یک امر بدیهی است که تغییرات فرهنگی با گشت ارشاد تحقق پیدا نمی کند بلکه تغییر بایستی از نظام فکری فرد و خانواده آغاز گردد لذا اگر بجای تغییر الگوهای ذهنی، با برخوردهای غیر فرهنگی سعی داشته باشیم که رفتار را در مسیر درست هدایت کنیم، اشتباه فاحشی خواهد بود زیرا ما برای تغییر الگوهای پوشش زنان نیاز به تغییر اساسی در نگرش‌های آنان داریم. بنابراین با زور و ارعاب نمی توان باورهای افراد را تغییر و یا مدیریت کرد در واقع با ساماندهی در نگرش‌های فکری است که می توان به جامعه پذیری افراد امیدوار بود. (آبروشن، ۱۴۰۱: ۱)

در فضای سختگیرانه نهادهای سیاسی-امنیتی پلیس در مقابل بی حجابی از یکسو و مخافت بخشی از مردم به حجاب اجباری رفته رفته این موضوع به مساله امنیتی در کشور تبدیل شد و به تدریج مورد توجه اذهان عمومی، رسانه‌ها، دانشجویها و اندیشمندان و روشنفکران دینی و دانشگاهی گردید نقطه عطف اعتراض به حجاب اجباری زمانی را می توان در سال ۱۳۹۶ در اقدام یکی از زنان به نام «ویدا موحد» با نام رسانه‌ای دختر خیابان انقلاب به نشانه اعتراض در تقاطع خیابان وصال شیرازی و انقلاب اقدام به آویزان کردن روسری خود به چوب کرد و تصویر آن تبدیل به یکی از تیرهای مهم مطبوعات و جراید دنیا شد. با دستگیری او و در ادامه چند نفر دیگر از زنان، دامنه اعتراضات زنان به حجاب اجباری و نافرمانی مدنی آنها از این پوشش کامل حجاب گسترش بیشتری یافت.

در حالی که اعتراض نمادین به حجاب اجباری گسترش پیدا می کرد، مقام‌های قضایی ایران هون دادستان کل کشور در نخستین واکنش‌ها نسبت به این اقدام شهروندان، با جرم انگاری از بی حجابی، آن را «امری جزئی و غیرقابل توجه» و «از روی تحریک احساسات» خوانده و گفتند اگر کسی با بی حجابی در خیابان حرکت کند به موجب قانون مرتکب جرم شده و می تواند تحت تعقیب قرار گیرد.

و در سال اخیر (شهریور ۱۴۰۱)، نیز در خصوص پرونده موسوم به مهسا امینی (ژینا امینی) تبدیل به یک بحران و معضل امنیتی گردید. مهسا امینی (ژینا امینی) دختر ۲۲ ساله اهل سقز بود که در زمانی که در تهران مسافر بود، در عصر روز سه‌شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ در نزدیکی ایستگاه متروی شهید حقانی توسط



گشت ارشاد به دلیل بدحجابی بازداشت شد. در هنگامی که در بازداشت پلیس بود برای او اتفاقاتی رخ می‌دهد که سبب انتقال مهسا امینی از بازداشت گشت ارشاد به بیمارستان کسری می‌شود. اما او در این بیمارستان به کما رفته بوده و سرانجام خانواده مهسا امینی مرگ او را تأیید می‌کنند. دستگیری و ابهام در نحوه درگذشت مهسا امینی توسط گشت ارشاد و به کما رفتن او، خشم عمومی مردم را در جامعه و شبکه‌های اجتماعی در پی داشت. مرگ او باعث واکنش‌های گسترده‌ای در سطح داخلی و بین‌المللی شد. بسیاری از سیاستمداران، هنرمندان، شخصیت‌ها، احزاب و نهادهای ایرانی و جهانی به آن واکنش نشان دادند.

آنچه مسلم برخوردهای تند و استانداردهای نامشخص گشت ارشاد، واکنش‌های افراط گونه را در پی داشته و به بی‌نظمی‌های اجتماعی دامن زده است لذا ما نمی‌توانیم بخش بزرگی از زنان و دختران جامعه را بخاطر نوع پوشششان مجرم تلقی کرده و مورد تعقیب پلیسی قرار دهیم. جرم انگاری یک امر فرهنگی و در همین راستا ورود پلیس به مقوله تخلفات اخلاقی اشتباه فاحشی است زیرا نه تنها اقتدار اجتماعی پلیس به شدت کاهش پیدا می‌کند بلکه نظم دستوری در امور فرهنگی به گسترش بی‌نظمی و نافرمانی‌های مدنی منجر خواهد شد.

یکی از کارشناسان این حوزه در این زمینه بر این باور است که «در ایران نافرمانی مدنی آنهم در اشکال مختلف، از سال‌ها پیش وجود داشته و جدیدترین شکل آن از ماه‌ها پیش، در موضوع حجاب در مقابله با گشت ارشاد خود را نشان داده است. بنابراین اشکال مقاومت خاموش و منفعل که در گذشته به شکل بدحجابی و شل حجابی یا تبدیل حجاب به وسیله‌ای برای نشان دادن "فردیت خود" دیده می‌شد را باید ابتکارانی در چهارچوب اعتراض به یک قانون تبعیض آمیز و زورگویانه دانست. یعنی در حالی که حکومت سعی داشته است از حجاب اجباری به عنوان یک ابزار "اقتدار حکومت" و وسیله‌ای برای کنترل جامعه استفاده کند، زنان جامعه از همین ابزار حجاب اجباری استفاده می‌کردند تا یک قانون ظالمانه را از معنا تهی کنند و از این راه مخالفت خاموش خود را با سیاست حکومت نشان دهند. (پیوندی، ۱۴۰۱)

بدین گونه در سال‌های اخیر بویژه در مقاطعی از سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ شاهد شکل‌گیری و بروز یک جنبش نافرمانی مدنی به "معنای واقعی کلمه" در میان زنان و دختران گاه بسیار جوان بودیم؛ یعنی زنانی که آگاهانه و با اطلاع از مجازاتی که وجودداشت، دست به هنجارشکنی و نادیده گرفتن قانون حجاب می‌زدند. و در همه مواردی که بسیار سروصدا به پا شد نیز این هنجارشکنی دیگر یک مسئله شخصی برای این زنان شجاع نبود بلکه اعتراضی در فضای عمومی به یک قانون ظالمانه و تبعیض آمیز بود.



آسیب شناسی علل بدحجابی و نافرمانی مدنی در ایران طی سال‌های اخیر

باتوجه به تحولات اخیر ایران در حوزه حجاب، آنچه مسلم، امروزه به موضوع حجاب صرفاً در قالب شرعی و دینی نگریسته نمی‌شود، بلکه بعد مهمی از موضوع حجاب با حقوق شهروندان و نقش دولت پیوند خورده است. طرح‌های زمستانه و تابستانه برخورد با بی‌حجابی و بدحجابی سال‌های گذشته بیش از آنکه محمل شرعی را برای مجریان رقم زند، بیشتر به نوعی دفاع از ارزش‌های رسمی سیاسی در جامعه تغییر کاربری داده است و بدحجابان و بی‌حجابان در مقابل به گروه‌های مخالف هنجاری حکومتی تفسیر می‌شوند. گزارش کارگروه وزارت کشور در خصوص موضوع حجاب در تهران نیز بر این فرض شکل گرفته بود که عمده دلایل بدحجابی و نافرمانی زنان در این حوزه محمل سیاسی داشته و افزایش حجاب و بدحجاب دارای گرایش‌های معارض می‌باشند هر چند این تفسیر به دنبال وقایع ۱۳۸۸، ادامه اعتراضات به انتخابات این سال دورازانتظارات نبود لکن نتیجه چنین برداشتی طبیعتاً توجه به ابعاد امنیتی و سیاسی موضوع حجاب بود که از بی‌حجابان به عنوان ستون پنجم دشمن یاد می‌کرد.

درمقابل، ارزیابی‌های دیگری نیز همچون ارزیابی معاونت برنامه‌ریزی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه بدحجابی در ایران از فرضیه دیگری حمایت می‌کرد که بر اساس آن علل نافرمانی مدنی زنان درحوزه حجاب ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد و لزوماً محتاج توجه امنیتی و سیاسی نیست. تلاقی این دو دیدگاه برخی گروه‌های اجتماعی در بطن جامعه، نگاهی افراطی را تقویت کردند که بدحجابی را برابر با بی‌حیایی، بی‌عفتی و کفر قلمداد می‌کرد به طوری که امر به معروف و نهی از منکر را خودسرانه به سر حد اقدام خشونت آمیز کشاندند. از نظریه‌های عمومی، تلقی شدن بانوان و دختران بی‌حجاب تاجوز تجاوزهای جنسی به محافب خصوصی آنان در کاشمر و خمینی شهر اصفهان و هتاکی و ضرب زنان و دختران بدحجاب در جهرم^۱ در ۸ آذر ۱۳۹۳ و فاجعه اسیدپاشی و ضرب و جرح انفرادی و گروهی، همگی هرچند به مثابه بهانه نظری، مستمسکی چون ادله شرعی یا قانونی داشتند در عمل آثار جبران‌ناپذیری بر جای گذاشتند. برخی از این دیدگاه‌های افراطی درباره حجاب جایگاه رسمی صاحبان آن ابعاد بین‌المللی یافت غافل از اینکه به استناد ادله دینی نیز این گونه اقدامات حرام و غیرقانونی بودند. (جاوید و شاهرادی، ۱۳۹۶: ۱۴۲)

در نتیجه نگاه‌های اخیر که هیچ‌گاه مقامات رسمی و علمای دینی کشور نیز بر آن صحه نگذاشتند، در عمل شوک بزرگی بر موضوع قانونی و اجباری بودن حجاب در چهاردهه پس از انقلاب وارد کرد. این وضعیت ابهام‌گونه که تحت تاثیر اختلاف رویکردهای حاکم در این حوزه است عملاً اقتناع‌سازی و رسیدن به یک رویکرد متعادل و مقبول جامعه و شرایط سیاسی موجب تعارضات سیاسی در جامعه و اقشار مختلف بویژه

۱. به گزارش ایرنا، در این اتفاق، دست کم شش زن که پنج نفرشان دانشجو بودند، درحرم مورد حمله با چاقوی شخصی به نام محمد بهشتی قرار گرفتند که در اعترافات خوددلیل و انگیزه خود را تحت تاثیر سخنان یکی از روحانیون که «ریختن خون بدحجاب را مباح شمرده است»، انجام داده و هدفش «اقدام عملی برای نهی از منکر» بوده است.



طرفداران اختیاری و شخصی بودن حجاب در شرایط حاضر نمود و تحولات و بحران برآمده از فوت مهسا امینی در پروسه دستگیری و انتقار ایشان به مقر انتظامی به قصد ارشاد و بازخواست انتظامی، که منجر به گسترش اعتراضات و اغتشاشات گسترده در بیشتر شهرهای بزرگ کشور گردید که لطمات و صدمات سیاسی، اقتصادی و امنیتی زیادی را در سطوح داخلی و خارجی بر نظام سیاسی کشور تحمیل کرد که نشان می‌دهد که موضوع حجاب نه تنها معطوف به گزاره‌های دینی و شرعی نیست بلکه تحت تاثیر مولفه‌ها و متغیرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی و... خود می‌باشد که باید در سطح وسیع‌تر به آن توجه کرد. کما اینکه در عصر حاضر با ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی، زنان در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با هدف اثرگذاری بر ذهن و قلب مخاطب فعالیت خود را در قالب کنشگری و نافرمانی مدنی گسترش دادند که مورد حمایت بخش مهمی از جامعه نیز می‌باشد. برخی از این فعالیت‌ها در راستای مخالفت با احکام اسلامی، قوانین جمهوری اسلامی ایران و رویه حکومتی در فضای مجازی است که در این پژوهش به عنوان نافرمانی مدنی تلقی می‌شود. از این رو زنان فعال در حوزه نافرمانی مدنی با استفاده از تکنیک‌های اقناعی و عملیات روانی تولید محتوا می‌نمایند و با دلسرد کردن زنان نسبت به عدم احقاق حقوقشان در جمهوری اسلامی و دین اسلام سبب پیوستن آنان به کمپین‌های مختلف شوند تا با گذر زمان انقلاب زنانه رقم بخورد. زنان فعال در این حوزه با شعار "انقلاب آتی، انقلاب زنانه است" فعالیت خود را پیش می‌برند. (کریمی دردشتی، ۱۴۰۱) در نتیجه تحولات فوق جامعه به سمت دو قطبی شدن مخالفین و موافقین حجاب پیش می‌رود که باید برای حل این تعارض اقدامی شایسته در راستای افزایش مقبولیت و کاهش آثار منفی این تعارضات صورت گیرد امری که با عدم توجه به آن وقایع ناخوشایند ۱۴۰۱ و کشته شدن برخی شهروندان در این مقطع را بوجود آورد و از سوی دیگر زمینه را برای ورود برخی جریان‌های داخلی و خارجی مخالف نظام کشور فراهم کرد که باید مورد تحلیل و بررسی بیشتری قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

موضوع حجاب در ایران نه تنها از شعائر و نشانه‌ای دینی محسوب می‌گردد بلکه امروزه موضوع مباحث جدی حقوقی و سیاسی در جهان نیز شده است با این وجود مسئله ایران معاصر دیگر صرفاً مسئله حجاب نیست بلکه گذر از بدحجابی به بی‌حجابی و نافرمانی مدنی در این زمینه می‌باشد که در سال‌های اخیر با توجه به اتفاقات و وقایع و تحولات اجتماعی-سیاسی و اقتصادی در کشور توسعه و نمود بیشتری یافته است که در این زمینه علاوه بر موارد فوق گسترش ارتباطات و رسانه‌ها و نسل جدید بروز بیشتری یافته است از این منظر حجاب در ایران امروز به منزله موضوع روز بنا به دلایل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و نه لزوماً امنیتی و سیاسی، ادامه خواهد داشت هر چند در این مسیر استناد به قانونی بودن حجاب تنها معیار الزام به پوشش اسلامی برای همه شهروندان می‌باشد اما اینکه این قانون و الزامات آن تاچه اندازه جواب داده و خواهد داد محتاج تامل بیشتری می‌باشد چرا که قانون صرفاً نمی‌تواند بر مبنای مشروعیت، مبتنی بر الزام قوه



قاهره از سوی حکومت باشد، بکه برای دوام بی دردسر و بلندمدت نیاز با انعطاف مبتنی برعرف دارد به این مفهوم که قانون باید وضعیت شهروندان و رضایت حداقلی آن را مدنظر داشته باشد تا این قانون غیرمقبول تلقی نگردد.

در سال‌های اخیر به نظرمی‌رسد به رغم رضایت نسبی شهروندان از الزام حجاب، اما به دلیل اجرای غلط قانون در قالب فصلی و فردی و بکارگیری قوه قاهره و برخی برخوردهای فیزیکی به نارضایتی فراوان و در نتیجه به نافرمانی مدنی زنان و فرار آنان از قانون منجر شده است که این فرار از قانون می‌تواند فرار از قانون در جامعه دینی نیز به فرار از دین نیز منجر گردد از این منظر به نظر می‌رسید ضمن بررسی و بازخوانی مجدد قانون با توجه به مولفه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگ عرفی جامعه و شیوه‌های ترغیب زنان به حجاب از طرق غیر نمایشی، گزینشی و سیاسی و تبلیغاتی می‌باشد.



فهرست منابع و مآخذ

- آقابابایی، حسین (۱۳۸۶) بررسی فقهی - حقوقی جرم براندازی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ابن منظور، ابی‌الفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر لطباعه و النشر و التوزیع.
- احصائی، ابن‌ابی‌جمهور. (۱۴۰۳ق). عوالی اللئالی. چاپ اول. قم: مطبعه سیدالشهداء.
- پیوندی، سعید (۱۴۰۱)، اعتراضات ایران؛ نافرمانی مدنی، جنبشی هنجارشکن یا آبرجنش زنان؟ وبگاه خبری یورو نیوز،
- حسامی، فاض، بصیرت، محمدیاسین (۱۳۹۹). عناصر جامعه‌پذیری (روش، محتوا و عوامل) حجاب در نظام اجتماعی قرآن. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۷ (شماره ۴)
- حق شناس، علی محمد؛ و همکاران. (۱۳۸۷). فرهنگ معاصر هزاره. تهران: فرهنگ معاصر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن (تحقیق: صفوان عدنان داودی). دمشق، بیروت: دارالقلم، دارالشامیه.
- زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۷) نظام اسلامی و مساله پوشش زنان، مجموعه مقالات حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- زین آبادی، مرتضی (۱۳۸۶)، جامعه‌پذیری حجاب، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۶ شماره ۳۸.
- سلیمی، علی؛ و داوری، محمد. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کجروی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- غلامی، علی (۱۳۹۲) مبانی نظری مداخله دولت در مسئله حجاب، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دوم، زمستان، شماره ۶
- قمری و فاء، مرتضی (۱۳۸۱) براندازی در سکوت، تهران: کیهان.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴). توسعه سیاسی و تحول اداری. تهران: نشر قومس.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). مسئله حجاب. تهران: صدرا.
- نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۸۶). بحران هویت در نوجوانان. مجموعه مقالات مبانی نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام علی‌اکبر، علیخانی. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، صص ۲۲۸-۲۲۱.
- واربرتون، نیکل (۱۳۸۰)، مسایل فلسفه سیاسی و نقدی بر آنها، ترجمه فرناز ناظرزاده کرمانی، «مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال پانزدهم، ش ۱۶۵.
- آبروشن، مصطفی (۱۴۰۱)، حجاب، گشت ارشاد و گسترش نافرمانی‌های مدنی، وبگاه پایگاه خبری الف، نشانی بازیابی اینترنتی: <https://www.alef.ir/news/4010629010.html>



- ___ Michener, H. A. & et al. (1990). Social Psychology. Second edition, New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- ___ Minny. Robin “Why Are Pupils Bored in R. E. ? – The Ghost Behind Piget”, British Journal of Educational Studies, Vol. 33, No. 3Oct. , 1985.
- ___ Scruton, R. (2007). The Palgrave Macmillan dictionary of political thought Springer.